

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تقی روزبه

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۷

جهان به کدام سو می رود-۲*

آیا جنگ داخلی خونین و هفت ساله سوریه در حال پایان یافتن است؟

اگر سخنان مهم نماینده ویژه ملل متحد در مورد سوریه را بپذیریم، خبر خوشی در راه است و بارقه هائی از امید به پایان یافتن این جنگ به غایت ویرانگر و ضدانسانی دیده می شود و این درحالی است که اسد و جبهه حامی او احساس پیروزی می کنند و جبهه مقابل احساس شکست. اپوزیسیونی که کشورهای بزرگ غربی و ترکیه از آن ها حمایت می کردند دلیل ناکامی خود را تغییرسیاست های این دولت ها، از برکناری یا سرنگونی اسد به سمت مقابله با داعش و لاجرم تغییر اولویت های خود و به تبع آن اولویت حامیان منطقه ئی خود می دانند. عمده حامیان آن ها شامل ترکیه و فرانسه و امریکا بودند که با تغییر اولویت هایشان، اپوزیسیون تحت الحمایه آن ها عملاً و بتدریج به محاق رفت. البته عامل دیگر و به همان اندازه مهم، افزایش مداخله و حمایت قاطع حامیان اسد از وی یعنی روسیه و ایران از دمشق بوده است که موازنه قواء را به سود اسد رقم زدند و به ارتش از رمق افتاده او اعتماد به نفس تازه ای بخشیدند. در حالی که مخالفان از مناطق مختلف به استان دومیلیون نفری ادلب جابجا یا بهتراست بگوئیم رانده شدند، بشار اسد نقاط استراتژیک دمشق و حلب حمص و ... و مراکز ساحلی طرطوش و لاذقیه و... و مناطق دارای منابع انرژی را به عنوان سوریه "مفید" تحت کنترل خود قرار داده است. گرچه هنوز هم اوضاع خیلی تثبیت شده نیست اما در جهت برتری وی پیش می رود. البته از یاد نبریم که گزارش نماینده ملل متحد نهایتاً با یک اگریزرگ همراه است، اگر که اسد سرمست پیروزی های خود نشود و حاضر به مصالحه سیاسی باشد... و اگر که خود را پیروز جنگ اعلام نکند و آماده پذیرش اعلام آتش بس سراسری (به جز نقاطی که در گیر داعش و ... است) و یک راه حل سیاسی پایدار باشد و اگر که نهایتاً تن به انتخابات آزاد و عادلانه بدهد... و گرنه همانطور که او هم گفته است ممکن است سرآغاز جنگ های جدید البته ابتداء چریکی باشد و به مدت یک دهه ادامه داشته باشد. فعل و انفعال مهم دیگر در این عرصه هم چنین شکست عنقریب داعش در رقه (سقوط دومین پایتخت داعش پس از موصل) و دیرالزور است که به نوعی بیانگر پایان یافتن حضور داعش در قدامت یک "دولت- خلافت" و صاحب خاک در سوریه و هم چنین در عراق است.

البته هر دو این خبرها خوشحال کننده است و طبیعی است که پیداشدن امیدهائی به پایان یافتن یک جنگ خونین و ویرانگر داخلی (و با ماهیتی نیابتی) رخدادی نیست که کسی از آن خوشحال نشود و استقبال نکند، و شایسته است که از همین بارقه های امید به صلح هم حمایت شود. با این همه روشن است که تا ریشه های بحران و انفجار خشک نشود، از

جمله، هم بیکه تازی و استبدادی امان داخلی و هم توافق کارگردانان اصلی یک جنگ نیابتی، یعنی توافقی در سطح قدرت های منطقه ئی و جهانی صورت نگیرد، امکان به با درفتن امیدهای به وجودآمده نسبت به برقراری صلح همواره وجود خواهدداشت.

نباید تصور کرد که عمده کردن مقابله با داعش توسط دولت های غربی به معنای کنار گذاشتن اهداف دیگر منطقه ئی و ژئوپولتیکی آن هاست. به عکس تهدید آن منافع به دلیل قدرت یابی داعش به عنوان یک خطر بالفعل موجب شد که رقبای منطقه ئی و جهانی، برای نجات آن منافع هم شده موقتاً در برابر دشمن مشترکشان همسوسوند، گرچه چنین سیاستی با توجه به معادلات منطقه ئی و توازن قواء به طور اجتناب ناپذیر و ناخواسته، موجب تقویت جبهه حامیان اسد می گردید. از آن جا که چنین توافقی از پشتوانه یک توافق بلندمدت و پایدار بین رقباء در سطوح منطقه ئی و جهانی برخوردار نیست، چه بسا خارج شدن داعش به عنوان خطر عمده و بالفعل از معادلات منطقه، چنین توافقی را شکننده کند. وجود دلایلی چون اولویت ها و اهداف دولت ترکیه در منطقه کردستان سوریه و منازعات و رقابت های هژمونی طلبانه دیگر قدرت های منطقه ئی و یا جهانی که جنگ نیابتی بازتابی از آن بوده است، بر دامنه نگرانی های فوق می افزاید. گرچه جنبه های فرامنطقه ئی بحران انفجاری سوریه مثل انفجار پدیده مهاجرت و پناهندگی و تراژیدی های برآمده از آن و نیز فشار سرریز شدن این بحران به اروپا و نگرانی از قدرت گیری فاشیست ها و... و بالاخره فشار افکار عمومی جهان به نوبه خود انگیزه های مهم و مکملی برای پایان دادن به این فاجعه دست ساخت قدرت ها به وجود آورده است؛ با این همه اگر این واقعیت دارد که یک طرف احساس پیروزی می کند و طرف دیگر احساس نه اگر شکست که نوعی ناکامی، همین می تواند پاشنه آشیل مذاکرات جدید باشد.

اگر جنگ ادامه سیاست است به شیوه ای دیگر، بسته به آن که چگونه پایان یابد، می تواند آغازگر جنگ های سیاسی باشد که خودمقدمه جنگ های گرم آتی گردد. بنابراین تحقق آتش بس و توافق محتمل طرف های منازعه در سوریه با وجود پیداشدن نشانه های تازه و چشم انداز امیدوارکننده تری در قیاس با تلاش های مشابه گذشته، و علی رغم ضرورت هائی که حکم به پایان دادن آن می کند، اما در ذات خود به دلیل فقدان پشتوانه توافق لاقطل ضمنی بین قدرت های بزرگ رقیب، شکننده است. در واقع اگر بستری مشترک هم وجود داشته باشد بستری است با رویاهای متفاوت و چه بسا متضاد. یکی از دشواری های برآمده از این رویاهای متفاوت همانا اهداف منطقه ئی حکومت اسلامی ایران است که به هیچ وجه مقبول امریکا و متحدان منطقه ئی آن نیست. و از قضا یکی از دلایل رغبت ترمپ به عمده کردن داعش، فراهم کردن شرایطی است که بتواند با نفوذ و سیاست های منطقه ئی جمهوری اسلامی به نحو قاطع تری مقابله کند. هم چنان که همین رقابت در سطح جهانی بین امریکا و روسیه نیز در حال شعله ورت شدن است.

دست یابی به مصالحه ای پایدار نیازمند آن است که اولاً در داخل سوریه شرایط مذاکره و حضور و مشارکت سیاسی برای همه طرف ها گشوده شود و در سطح جهانی هم به نوعی مذاکره و مصالحه بین قطب های رقیب فراهم گردد. به همین دلیل در غیاب چنین شرایطی پایان جنگ گرم اگر هم مسجل شود که خودشناسی برای صلح و گامی به جلو است، اما تا فراهم شدن توافق های نسبتاً پایدار، چه بسا برای مدت ها با وضعی شکننده و نوعی حالت نه جنگ نه صلح همراه باشد. بدیهی است که طرفین با روی میز گذاشتن مطالبات حداکثری خود شروع کنند. چنان که وزیر خارجه فرانسه مجدداً سازکنار رفتن بشار اسد را کوک می کند و یا شاهد فعال کردن پرونده حملات کیمیائی بشار اسد هستیم.

البته مطرح کردن جنایت های جنگی و هرگونه نقض حقوق بشر از هرسو، توسط مجامع حقوق بشر ضرورتی انکار ناپذیر است و مغایرتی هم با مذاکرات و برقراری صلح ندارد، اما طرح آن از سوی قدرت های درگیر در جنگ به

عنوان سنگ اندازی به پایان دادن جنگ و برقراری صلح و یا وسیله ای برای چانه زنی حول منافع خود امر دیگری است.

در پایان، به طنز می توان گفت که همه باید مدیون داعش باشیم! اگر هم امکان صلحی ولوشکننده در سوریه فراهم شده باشد، از ترس داعش بوده است! و امیدوارباشیم که نگرانی از کابوس عروج مجدد آن، اولییتی را که دولت ها و قدرت های منطقه نی و فرامنطقه نی را به طورنسبی باهم همسوکرد هم چنان پابرجاماند! ... هم چنین به اهرم فشار آفکارعمومی علیه جنگ و نیز انگیزه اروپائی ها برای کنترل بحران می توان امیدبست!

۲۰۱۷ .۰۹ .۰۷

* - جهان به کدام سو می ورد(۱): نگاهی به چالش ها و صورت بندی آن ها

http://taghi-roozbeh.blogspot.de/2017/08/blog-post_24.html ..

* نماینده ملل متحد: اپوزیسیون سوریه بپذیرد که در جنگ پیروز نشده اند:

https://www.radiofarda.com/a/f4_un_di_mistura_syria_opposition_accept_not_win_war/28720601.html

* از قضا یکی از دلایل رغبت ترمپ به عمده کردن داعش، فراهم کردن شرایطی است که بتواند با نفوذ و سیاست های منطقه نی جمهوری اسلامی به نحوقاطع تری مقابله کند .